یادگار عمر (خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق)

همایی، جلال الدین

در این تازگی از تألیفات فارسی دانشمندان معاصر کتابی بسیار شیرین و سودبخش‏ خوانده‏ام که میل دارم خوانندگان گرامی مجلهء وحید را تا آنجا که ممکن و میسر است با اهمیت این کتاب و لذت و فایده‏یی که از مطالعهء آن عاید این حقیر شده است آشنا کنم تا بمضمون‏ این گفتار عمل کرده باشم.

نعمتی چون تو را نصیب افتاد دوستان را هدیتی می‏بخش

شاعر عرب میگوید:

و ترکی مواساة الاخلاء بالذی‏ تحوزیدی ظلم لهم و عقوق

یعنی از نعمتی که بدست ما افتاده است دوستان را بی‏نصیب نباید گذاشت،پیداست‏ که در این دستور اخلاقی عمدهء توجه شاعر بمال و نعمت و ثروت دنیوی بوده است؛و لیکن‏ فواید معنوی که یکی از آنها کتاب و کتابخانه است بنظر من از ثروت مال و گنج زر و سیم بسی‏ مهمتر و ارجمندترست؛جایی که مضایقه نمودن و عدم مواسات یعنی یاری نکردن دوستان‏ بمال و نعمت دنیوی که مربوط بزندگانی جسمانی ناپایدار و زود گذر است بقول شاعر«ظلم و عقوق» یعنی ستم و آزار و ناسپاسی و حق ناشناسی و اهمال در ادای حقوق انسانی شمرده شود؛واضح است‏ که بخل ورزیدن در امور معنوی که مربوط به حیات روحانی باقی و پایدار است؛و از آن جمله‏ مثلا دریغ کردن از معرفی کتابی که گنجینهء فواید علمی و ادبی و تاریخی است و پنهان داشتن آن‏ از نظر مستحقان اهل معرفت و ارباب فضل و دانش چنانکه شیوهء تاریک دلان کوتاه نظر است ظلم و عقوقش بمراتب بیشتر از بخل و امساک در انفاق مال به فقیران و مسکینانست؛و جان کلام در این قیاس اولوی همان دولت زایل دنیوی و نعمت باقی معنوی است.

گوهر معرفت اندوز که با خود ببری‏ که نصیب دگرانست نصاب زر و سیم

باری منظور من از این کتاب که گفتم،جلد دوم کتاب یادگار عمر است تألیف حضرت‏ استاد دانشمند معظم جناب آقای دکتر عیسی صدیق اعلم‏زاده اللّه توفیقا که یکی از پیشقدمان و پایه‏گذاران فرهنگ جدید ایران پس از عهد مشروطیت و از کسانی است که حدود نیم قرن معاصر سراسر زندگانی وی همه در راه تعلیم و تربیت و تصدی مناصب عالی فرهنگی گذشته و در هر مقام‏ و مرحله‏یی که بوده خدمات گرانبها نموده و آثار نیک از خود بیادگار گذاشته است؛و اکنون هم‏ هفتاد و چند سال از عمر شریف او میگذرد علاوه بر تعهد شغل سیاسی که در مقام سناتوری بدرستی‏ و راستی انجام وظیفه میکند،با همان شور و نشاط و پشت کار جوانی در دانشگاه بتدریس و افاضه‏ مشغولست و در«تاریخ فرهنگ ایران»که رشته درس اوست کتابی بزرگ هم پرداخته که در نوع خود یگانه و بی‏نظیر است.

و از جمله شاگردان و تربیت یافتگان وی که محصول ادوار و سنین مختلف خدمت معلمی‏ او هستند و ما بین جمیع طبقات و اصناف لشکری و کشوری از دبیر و استاد و دانشیار و قضات دادگستری‏ و مأموارن سیاسی و درجه‏داران نظامی و وکلای هر دو مجلس سنا و مجلس ملی وجود دارند؛ در حال حاضر شاید متجاوز از پانصد تن باشند که این استاد را بجان و دل دوست میدارند و همچنان حرمت مقام معلمی وی را مانند یک پدربزرگ روحانی مراعات مینمایند و درجات‏ علمی و اخلاقی او را میستایند.

\*\*\*

مقصودم معرفی جناب آقای دکتر صدیق نبود که آن خود مقالتی مفصل لازم دارد؛ عجالة کلمتی چند بر سبیل مقدمه نوشتم،اینک بخود کتاب که موردنظر است میپردازم.

بهتر این است که بخشی از عین نوشتهء خود استاد مؤلف را در مقدمهء کتاب نقل کنم تا کسانی که هنوز توفیق مطالعهء آن را نیافته‏اند از هدف و منظور مؤلف و خوی و تواضع کریمانهء او و محذوراتی که برای شرح و بسط پاره‏یی از مطالب در کار داشته است،آگاه شوند و بدانند که‏ منظور اصلی او در واقع شرح حال خود نبوده بل‏که شرح حال بهانه و دست آویز این تألیف شده‏ و غرض واقعی و عمدهء هدف او در نوشتن این کتاب هم مثل سایر مؤلفاتش راهنمایی جوانان بکسب‏ فضایل اخلاقی بوده است،و بالجمله در تألیف این کتاب نظر تعلیم و تربیت داشته‏اند، اینک عین نوشتهء مؤلف محترم:

«جلد اول این کتاب شامل پاره‏یی از خاطرات من است از آغاز عمر از 1273 تا 1309 خورشیدی و این جلد از 1309 تا 1319»

«در دیباچهء جلد اول وجه تسیهء یادگار عمر و انگیزهء خود را در تألیف آن بتفصیل‏ بیان کرده‏ام با این وصف لازم میدانم در اینجا یادآوری کنم که منظورم تدوین تاریخ عصر خویش‏ یا شرح کامل زندگانی نبوده بل که بیشتر ذکر خاطراتی بوده است که از لحاظ تربیت سودمند تواند بود.» «بهنگام تألیف همواره کوشیده‏ام تا خودستایی نکنم و در مقابل دیدگانم حب ذات پرده‏یی‏ نگسترد مع ذلک ممکن است در محضر ارباب خرد و بصیرت لغزشهایی مشهود افتد و سهو و نسیانی‏ بنظر رسد که در آن صورت توقع از کرم و اخلاق بزرگان چنانست که مرا آگاه فرمایند تا با عرض‏ تشکر و سپاس در مقام اصلاح و جبران برآیم»انتهی.

کتاب یادگار عمر با نثری ساده و شیرین انشاء شده و در خلال مطالبش فوائد ادبی‏ و تاریخی فراوان است،حسن انسجام و انتظام مطالبش طوری است که خواننده را بخود سر گرم‏ میدارد و هرچند پیش میرود بر رغبت مطالعه آن افزوده میشود.

مطالب مهم تاریخی که در خلال نوشته‏های این کتاب جای جای آورده شده است از قبیل تاریخ بنیاد دانشگاه و تأسیس دانشسرای عالی و کنگرهء فردوسی و فرهنگستان جزء مطالبی‏ است که مورد احتیاج همه مورخان و محققان واقع میشود و آنچه در این باره در کتاب نوشته شده‏ همه با مدارک متقن دقیق و مطمئن است بطوری که اشخاص متتبع را از زحمت و رنج دیگر بی‏نیاز می‏سازد.

گروهی کثیر از رجال سیاسی و تاریخ و ادب و فرهنگ قرن معاصر از قبیل مرحوم‏ ذکاء الملک فروغی،میرزا علی اکبر خان داور،حاج میرزا یحیی دولت آبادی، پرفسور اسمیت امریکایی،و نیز جمعی از اساتید هنر مانند:حاج میرزا آقا امامی‏ نقاش معروف اصفهانی و رسام ارژنگی درین کتاب با اصح مآخذ و دقیق ترین اطلاعات‏ معرفی شده‏اند.

قضاوت و داوری مؤلف دربارهء اشخاص با نهایت صدق و انصاف و بی‏طرفی است،بطوری‏ که میتوان نوشته‏های او را مدرکی صحیح و معتبر برای آیندگان دانست.

مؤلف محترم نه تنها کتابی سودمند هدیهء نسل حاضر کرده بلکه خدمتی بزرگ هم به‏ نسل‏های بعد انجام داده است.مخصوصا آن طبقه که درصدد تحقیق احوال رجال و بزرگان‏ این عهد بر می‏آیند و اگر سند و نوشته‏یی از خود این اشخاص در دست نباشد ناچار مدتی در زحمت و رنج تحقیق و تتبع میگذارنند و عاقبت با قراین و شواهدی آمیخته از راست و دروغ‏ چیزی دربارهء کسی مینویسند و او را چنانکه بظن و گمان خود دریافته‏اند معرفی میکنند، چنانکه هم اکنون دربارهء اکثر رجال بزرگ اعصار قدیم ما معمول شده است که هرکسی از ظن‏ خود یارایشان میشود و از درون اسرار ایشان را در نمییابد ای کاش فروغی و امثال وی نیز کتابی‏ نظیر یارگار عمر دکتر صدیق بیادگار گذارده بودند.

کتاب یادگار عمر بنظر این حقیر کتابی بسیار ارزنده و سودمند است و شایستگی‏ دارد که نه تنها خصوص دانشجویان که عموم فاضلان و دانش پژوهان هرچند یک بار و یک مرتبه‏ باشد این کتاب را از آغاز تا انجام بخوانند و آنرا سرمشق شرح حال نویسی قرار دهند؛ در این صورت یقین دارم که با این حقیر همداستان میشوند و باهمیت کتاب واقف میگردند.

دوام توفیق و اضافات حضرت استاد معظم جناب آقای دکتر صدیق را در ایجاد این‏گونه آثار گرانبها از خداوند متعال مسألت داریم و هو نعم المولی و نعم النصیر.